

رسانه‌های گروهی و انحلال حزب حاکم

پنج روزنامه مجازی که هنوز در تهران منتشر می‌شوند، چه بسا رویدادهای گذرا و کم اهمیت را موضوع سر مقاله‌هایی قرار می‌دهند که گاه تا بیست شماره ادامه می‌یابد. مثلاً وقتی خمینی بر اثر تفکرات پدیبینانه و نومیدانه زمزمه می‌کند: "ما که هستیم، ما چه هستیم؟"، روزنامه‌ها تا چند روز سر مقاله‌های خود را به تفسیر این سخنان "داهیان" اختصاص می‌دهند و از جوانب مختلف آنرا می‌شکافند. اما وقتی وی حزب حاکم کشور را منحل اعلام می‌کند، از کنار "لاشه" آن حزب چنان بی‌تفاوت می‌گذرند که گوئی اصلاً واقعه سیاسی مهمی روی نداده است.

روز دوازدهم خرداد ماه ۱۳۶۶ روزنامه "اطلاعات"، بدون کوچکترین اشاره‌ای در صفحه اول خود که عناوین بی‌اهمیتی مانند "جزئیات برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب"، "اطلاعیه امور حج و زیارت" و "اسامی برندگان مسابقه بصائرالمجاهدین" نیز در آن دیده می‌شد، فقط در صفحه دوم، خبر مربوط به موافقت خمینی با تعطیل حزب جمهوری اسلامی را بدون تفسیر چاپ کرد.

روزنامه جمهوری اسلامی، ارگان حزب جمهوری اسلامی همانروز این خبر را با کلیشه اصل نامه‌ها منتشر ساخت و بدون سر و صدا عنوان "ارگان حزب جمهوری اسلامی" را از صفحات اول و آخر برداشت. همین‌و دیگر هیچ!

در روزهای بعد، نه سلسله مقالاتی، نه توضیحاتی و نه توجیهاتی برای تفسیر "موافقت می‌شود" خمینی با انحلال یگانه حزب علنی حاکم بر کشور، نه در این روزنامه و نه در دیگر روزنامه‌ها دیده نشد. گوئی "نه خانی آمده، نه خانی رفته!"

رسانه‌های گروهی جمهوری اسلامی یا چنین می‌پندارند که انحلال حزب حاکم بر کشور، حزبی که رئیس جمهور، رئیس مجلس، رئیس قوه قضائیه، نخست وزیر، اکثریت مطلق مجلس، اکثریت مطلق وزیران و صدها و صدها تن از دیگر گردانندگان اصلی نهادهای اجتماعی و دولتی اعضای آن بوده‌اند و به اشکال گوناگون پنجه‌های سرطانی خود را به کا، خانه‌ها و روستاها نیز فرو برده بوده واقعه است بکلی بی‌اهمیت و یا نمایندگان "ولی فقیه" در روزنامه‌ها و رادیو و تلویزیون دستور گرفته‌اند در این مورد سکوت کنند تا تنمّه آبروی نظام "ولایت فقیه" نریزد.

ضمناً نامه "مشترک" خامنه‌ای و رفسنجانی بقیه در ص ۵

در صفحات بعد

- ترکیب کارگری حزب راقوی تروزامی ص ۴
- بازهم پیرامون لایحه بیمه بیکاری ص ۲
- اعتصاب کارگران کشتی سازی خلیج فارس ص ۲

صدور انقلاب، توهم رژیم

اصل ارتجاعی "صدور انقلاب" جزو موازین اعتقادی رژیم ولایت فقیه است و ریشه تاریخی دارد. خمینی و یارانش، بی‌آنکه واقعیت‌های جهان امروز را بتوانند بدرستی ببینند و از مناسبات حاکم بر آن سر در بیارند، با جزم اندیشی خاص خود و به اتکا سیاستی ماجراجویانه تلاش می‌ورزند تا مسیر تاریخ را به "صدر اسلام" بازگردانند و "اسلام" مورد نظرشان را - حتی به کشورهای اسلامی - صادر کنند.

خمینی می‌گوید: "عدل اسلامی این است که همه حکومت‌هایی که در دنیا هستند، زیر موازین اسلامی حکومت کنند". وی در جای دیگری تاکید می‌کند: "باید تمامی قدرتها و ابرقدرتها بدانند که ما تا آخرین نفر و تا آخرین منزل و آخرین قطره خون برای اعتلای کلمه الله ایستاده‌ایم و هر خلاف میل تمامی آنان حکومت نه شرقی و نه غربی را در اکثر کشورهای جهان پایه ریزی خواهیم نمود". بقیه در ص ۲



شماره ۱۶۰ دوره هشتم
سال سوم سه شنبه ۱۳۶۶/۴/۲
بها ۲۰ ریال

خلیج فارس، آبستن خطر گسترش جنگ

استراتژیک خاص است. این منطقه نزدیک سرحدات اتحاد شوروی قرار دارد که لبه تیز فعالیت خرابکارانه امپریالیسم آمریکا همیشه متوجه آن بوده است.

چندی پیش برژینسکی در مقاله‌ای در روزنامه "واشنگتن پست" نوشت: "هدف اساسی ما در جنوب غربی آسیا دستیابی به منابع نفتی خلیج فارس ارتباط دارد که ۲/۳ ذخائر نفت کشف شده جهان آزاد را تشکیل می‌دهد. اگر اتحاد شوروی زمانی بتواند در جنوب غربی آسیا برتری بدست آورد، مسکومی تواند فشار شدیدی به اروپای غربی و ژاپن وارد کند. بهمین سبب ایالات متحده جز مقابل با هر نوع تهدید منافع غرب در خلیج فارس راه دیگری ندارد".

نخستین بار نیست که سخنگویان امپریالیسم آمریکا برای دستیابی به اهداف نواستعماری خود از "خطر شوروی" سخن می‌گویند. همه می‌دانند، هم در گذشته و هم در حال حاضر این امپریالیسم آمریکا بوده و هست که استقلال و تمامیت ارضی کشورهای "جهان سوم" و از جمله منطقه خلیج فارس را تهدید کرده و می‌کند.

روزنامه "کویتی" "الوطن" بدرستی می‌نویسد: "از نخستین روز جنگ و طی ادامه آن همیشه دست آمریکا در کار بوده است. "واشنگتن" با ریختن نفت در آتش می‌کوشد تا وخامت را بحد غلیان برساند و سپس زیر پوشش دفاع از کشورهای کرانه، نظارت نظامی خود را مستقر سازد". "خطر شوروی" برای دستیابی به این هدف است.

ماجرای "ایران - گیت" استراتژی نظامی - سیاسی واشنگتن را که سران دولت آمریکا می‌خواستند از ائتلاف عمومی جهان پنهان دارند، فاش کرد. فروش سلاحهای مدرن آمریکا و نیز بدکیهای مورد نیاز هواپیماهای نظامی توسط اسرائیل به ج. ا. ارتباطات پشت پرده برخی از سران رژیم به رهبری رفسنجانی با "واشنگتن" از جمله دورویی در سیاست امپریالیسم آمریکا را به جهانیان نشان داد. تشدید جنگ پس از معاملات پشت پرده که بقیه در ص ۲

خبر اعزام سه ناو جنگی آمریکا به خلیج فارس، همزمان با فرمان ریگان به ناوگان مستقر در این منطقه دایر بر حمله به هواپیماهای نظامی "مشکوک" و تهدیدهای دو جانبه واشنگتن و تهران که در این روزها شکل حادی بخود گرفته است، به خطر گسترش جنگ به دیگر کشورهای کرانه خلیج فارس افزوده است.

واشنگتن جمهوری اسلامی را تهدید می‌کند که در صورت حمله به کشتی‌های زیر پرچم آمریکا، مؤسسات نظامی و غیر نظامی ایران را بمباران خواهد کرد. سران جمهوری اسلامی در پاسخ، حمله به ناوگان نظامی آمریکا و نیز بنادر کشورهای عربی کرانه خلیج فارس را مطرح می‌کنند. هدف از این تهدیدها که می‌تواند روزی از حرف بعمل در آید چیست؟

"جنگ نفتکش‌ها" که محصول ادامه جنگ ایران و عراق است سالهاست ادامه دارد. بموجب اخبار رسانه‌های گروهی تاکنون بیش از ۲۰۰ کشتی در آبهای خلیج فارس مورد حمله قرار گرفته و بالغ بر ۱۲۰ ملوان کشته شده‌اند. روزانه قریب ۴۰ کشتی باری و نفتکش از دهانه تنگه هرمزی می‌گذرند و بر اساس خیرهای رسانه‌های گروهی گوناگون روزی نیست که این یا آن کشتی مورد حمله هواپیماها و قایق‌های تندروی ایران و عراق قرار نگیرند.

هدف امپریالیسم آمریکا که آتش بیار جنگ میان دو کشور همسایه بوده و با فروش سلاح به هر دو طرف متخاصم و تشویق آنها به ادامه جنگ کوشیده تا نایره جنگ ویرانگر را شعله‌ور نگه‌دارد، گرفتن ماهی از آب گل‌آلود است. خلیج فارس و کشورهای کرانه آن و در درجه اول ایران همیشه مقام ویژه‌ای در استراتژی نظامی - سیاسی آمریکا داشته است. کشورهای منطقه حدود ۲/۳ از ذخائر کشف شده جهان سرمایه‌داری را در اختیار دارند. ۲۰ درصد از مصرف نفت جهان از خلیج فارس تأمین می‌شود. ژاپن و اروپای غربی بزرگترین مصرف کننده نفت منطقه هستند. ایالات متحده آمریکا ۱۵ درصد از کل مصرف خود را از خلیج فارس تأمین می‌کند. افزون بر این خلیج فارس دارای اهمیت

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

صدور انقلاب...

بدون تردید می توان گفت که یکی از جهات مهم سیاست خارجی ج.ا. همین "صدور انقلاب اسلامی" است. رژیم برای رسیدن به چنین هدفی، به شیوه "ماکیاولیستی از هر دستاویزی بهره می گیرد، نیروهای ایران از جمله ماهدق" استقرار حاکمیت اسلامی" و روی کار آوردن دلقکان دست آموز رژیم، به جنگ با عراق ادامه می دهند. پشتیبانی وسیع و همه جانبه از ضد انقلابیون افغانی - به اصطلاح رژیم "مجاهدین" و بقول ریگان "مبارزان راه آزادی" - با هدف پیش گفته انجام می شود. دخالت در امور داخلی لبنان با کمک به تشکیل نیروهای "حزب الله"، شرکت در گروگان گیریها و خرابکاریها و توطئه های گوناگون علیه نیروهای مترقی و انقلابی، بویژه کمونیستها، هدفی جز صدور "انقلاب اسلامی" را تعقیب نمی کند. کارشکنی در کار سازمان آزادی بخش فلسطین از نمونه های برجسته "چنین سیاستی است. رژیم با برگزاری "روز قدس" شعار پشتیبانی از حقوق خلق فلسطین و نابودی اسرائیل را می دهد و در این راه از همه "مسلمانان" می طلبد تا زیر پرچم ج.ا. گرد آیند، اما در راه هدفهای توسعه طلبانه اش برای تأمین سلاح از جمله دست بدامن اسرائیل، یعنی همان کشوری می شود که شعار "نابودی" اش را می دهد. سیاهی علیه هندوستان و هنداستانی با پاکستان و ترکیه یعنی زائده های امپریالیسم در منطقه، نیز در چارچوب سیاست "صدور انقلاب اسلامی" قابل بررسی است.

هم اکنون در کشور ما گروه های متعدد تروریستی تربیت و برای "صدور انقلاب" راهی کشورهای دیگر می شوند. این گروه ها اغلب نیروهای افراطی ای هستند که برای طی دوره "آموزشی تروریسم و ارد میهن ما شده اند و پس از دیدن "آموزش" های لازم در اردوگاه های ویژه، از جمله برای کارشکنی در کار نیروهای مترقی و انقلابی به کشور خودشان باز می گردند. تا کنون گروه های متعددی به افغانستان و لبنان اعزام شده اند. همچنین تربیت "طلاب" از کشورهای مسلمان نشین در حوزه های علمیه و اعزام آنها به کشورهای مختلف، بخصوص کشورهای مسلمان نشین، هدفی جز صدور "انقلاب اسلامی" در پیش رو ندارد. مخارج سنگین کار تبلیغاتی، از قبیل چاپ نشریات، بوسترها و کتابهای "اسلامی" به زبانهای مختلف، دادن "ربرتاژ آگهی" به روزنامه ها و رادیوهای خارجی با تحمل هزینه های گزاف، از طرفند های دیگر رژیم ج.ا. برای "صدور انقلاب" است.

رژیم ج.ا. داعیه "رهبری مسلمانان جهان را دارد و با تهدید دائمی کشورهای مسلمان نشین و دخالت در امور داخلی شان خشم و اعتراض آنها را بر می انگیزد و وقتی که مورد انتقاد قرار می گیرد با بی منطق ترین عملکردها به مقابله بر می خیزد. فی المثل در حمله "تبلیغاتی به کویت"، "مسلمانان خارجی شهر قم" را به خیابانها می کشد که شعار "حزب فقط حزب الله، قائد فقط روح الله" سر بدهند و خواهان "برقراری حکومت اسلامی واحده در سراسر دنیا و آزادی ملت های زیر ستم" شوند.

سالانه بخش مهمی از منابع مالی و ارزی کشور

و بودجه "سفارتخانه ها و دیگر نمایندگی های ج.ا. در کشورهای مختلف به "چاه ویل" "صدور انقلاب" ریخته می شود. این در حالی است که جنگ بیداد می کند، فقر، بیکاری، گرسنگی، آوارگی و بیخانمانی در کشور ما دائماً رو به گسترش است، مردم با کمبود شدید امکانات بهداشتی و آموزشی مواجه اند، غارتگران اجتماعی تحت حمایت رژیم نان از حلقوم زحمتکشان می ربایند و وابستگی اقتصادی به امپریالیسم تشدید شده است. رژیم می کوشد تا این واقعیت های کاملاً ملموس را پرده پوشی کند و با صرف هزینه های سنگین، بویژه افکار عمومی مردم کشورهای مسلمان نشین را بخرد و به سمت پذیرش سیاست ارتجاعی خود جلب کند، اما موفق نمی شود.

از دیدگاه رژیم، یکی از "مهمترین" وسایل "صدور انقلاب" مراسم حج است. اسامی قرار است که ج.ا. جمعیتی بالغ بر ۱۵۰ هزار نفر را برای انجام مناسک حج اعزام کند. خامنه ای می گوید: حجاج ایرانی "باید پیام تکان دهنده" سیاسی خود را به همه "دنیا ابلاغ کنند". این "پیام تکان دهنده" چیست؟ او می گوید: "مردم جهان باید بدانند که ج.ا. قوی است". کروی، یکی دیگر از کارگزاران اصلی رژیم نیز در جریان برگزاری "کنکره" سراسری حج" می گوید: "یکی از مهمترین عوامل صدور انقلاب که باید از آن استفاده شود، کنکره" عظیم حج است، چرا که حج بهترین و مؤثرترین وسیله برای صدور انقلاب، منسجم کردن مسلمین و سقوط ابر قدرتهاست... بهترین فرصت در ایام حج بدست می آید تا زائرین محترم، امم از علما و کسانی که به زبانهای مختلف آشنائی دارند، با نزدیک به یک میلیون انسان انگیزه دار مؤمن و نشسته "حقیقت که وارد عربستان، حجاز، مکه و مدینه می شوند به بحث و تبادل نظر بپردازند". وی یکی از هدف های این "بحث و تبادل نظر" با "یک میلیون انسان انگیزه دار مؤمن... را" مخالفت با حضور شوروی در افغانستان" اعلام می کند. در اینجا همصدائی ج.ا. با دشمن بزرگ خلقها یعنی امپریالیسم آمریکا مشهود است و شوروی ستیزی افسار گسیخته و دشمنی آشتی ناپذیر خود با حکومت انقلابی افغانستان را به وضوح نشان می دهد.

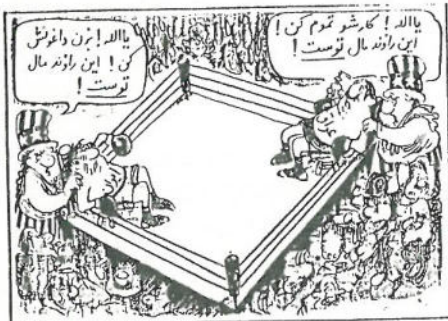
از میان ۱۵۰ هزار نفری که اعزام حج می شوند، پدیده ای است که بسیاری از آنها عوامل رژیم هستند و گروهی دیگر حداقل برای "پاک" کردن دارائی خود و یافتن دستاویز "شرعی" برای چاپیدن توده ها اعزام مکه می شوند، اما بخش مهم زائران حج به دلیل باورهای صادقانه "مذهبی رنج سفر را بر خود هموار می سازند. باید واقعیت ها را با آنها در میان گذاشت و به آنها گفت، اجازه ندهند که رژیم ج.ا. از آنها بعنوان "آلت دست" استفاده کند.

خلقهای زیر ستم، از جمله مسلمانان مورد نظر ج.ا. به تجربه در می یابند که نظام آزادی کش و ضد خلقی "ولایت فقیه" با جنابیت های بی شمارش جز راه ستم به زحمتکشان و محرومان را نمی بیند و چنین نظامی نمی تواند پاسخگوی شعارهای ضد امپریالیستی، آزادی خواهانه و عدالت پرورانه "خلقها باشد. رژیم در امر "صدور انقلاب" شکست خورده و اگر اندک توهمی نیز برای معدودی از نیروهای "مسلمان" در کشورهای اسلامی وجود داشته است رسوائی های پی در پی رژیم موجب شده که این توهم فرو بریزد.

خلیج فارس، آبستن خطر...

منجر به قتل ده ها هزار نفر از هموطنان ما گردید، محصول سیاست توطئه گرانه "امپریالیسم آمریکا بود". واشنگتن "با این عمل در واقع با یک تیر دو هدف را نشان گرفته بود: دامن زدن به شعله "جنگ بقصد تحکیم حضور نظامی خود در منطقه و حمایت از جناح "میانه رو" در جمهوری اسلامی.

افشای ماجرای "ایران - کیت"، واشنگتن را مجبور کرد تا در سیاست خود در جهت جلب اعتماد کشورهای عربی کرانه "خلیج فارس" تغییراتی بدهد. اما، این "تغییر سیاست" بهیچ وجه به معنی تغییر هدف های استراتژیک امپریالیسم آمریکا نیست. به اصطلاح دفاع از آزادی کشتیرانی در خلیج فارس مانند گذشته هدف گسترش حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس را تعقیب می کند، کما اینکه تهدید کردن ج.ا. نیز عملاً به معنی تقویت موضع جناح "میانه روئی" است که به نظر "واشنگتن" باید زمام امور در ایران را بدست گیرد و مواضع از دست رفته "امپریالیسم آمریکا در ایران را احیا کند. این بازی خطرناکی است که نه تنها می تواند دامنه "جنگ را در سطح منطقه گسترش دهد، بلکه در عین حال صلح و امنیت جهانی را به مخاطره اندازد. با این توطئه "توبتی امپریالیسم باید مبارزه کرد. و این نیز مستلزم تشدید بیکار علیه جنگ هستی براند از میان ایران و عراق است.



"بیطرفی" در قاموس آمریکا

اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، احزاب کمونیستی و کارگری جهان، نیروهای صلحدوست و ضد امپریالیست و نیز سازمانهای مانند شورای امنیت، کشورهای غیر متعهد و غیره تا کنون پیشنهاد های مختلفی درباره "پایان دادن به جنگ و حل مسائل مورد اختلاف طرفین در پشت میز مذاکره ارائه داشته اند. اما، همه "این پیشنهادها از طرف رژیم ج.ا. رد شده است. یگانه راه، تشدید مبارزه در راه صلح در داخل کشور است. اکثر مردم میهن ما مخالف ادامه "جنگ هستند. ولی این کافی نیست. برای پایان دادن به جنگ باید مبارزه کرد. این نیز بدون سازماندهی و بهره گیری از نیروی خلق امکان پذیر نیست. ما بارها گفته ایم و بار دیگر تکرار می کنیم، تا زمانی که نیروهای سیاسی مترقی و دمکراتیک مخالف جنگ نتوانند زبان مشترکی پیدا کنند، رژیم ضد خلقی ج.ا. همچنان به سیاست ایران برپاداده خود ادامه خواهد داد.



بازهم پیرامون

لایحه بیمه بیکاری

قانون بیمه بیکاری که از شورای نگهبان با ایراداتی چند به مجلس بازگردانده شده بود، پس از منعکس شدن خواست های شورای نگهبان در آن از تصویب نهائی گذشت.

هنوز درباره نظریات اصلاحی شورای نگهبان و شکل جدید قانون بیمه بیکاری اطلاع دقیقی در دست نیست، ولی از هم اکنون می توان به ظن قوی گفت که طبق معمول و مانند همه موارد نظیر، شورای نگهبان آنرا به سود کارفرمایان و به زیان مزد و حقوق بگیران تغییر داده است. یعنی مصوبه مجلس که خود دارای کمبود های جدی بود اکنون جنبه های منفی بیشتری هم پیدا کرده است. صحبت امروز ما بر سر نقائص این قانون که چندی پیش هم آنرا بررسی کردیم نیست. در ماه های اخیر که مجلس و شورای نگهبان با هم کشمکش داشتند، بسیاری از کارگران انتظاراتی را که از یک قانون بیمه بیکاری واقعی دارند بیان کردند و نشان دادند که "قانون کنونی حتی پیش از "تعدیل" شدن در شورای نگهبان هم انتظاراتشان را برآورده نمی ساخته است.

روزنامه ها نوشتند که با تصویب این قانون می توان امید داشت ۷۵۰ هزار کارگر که گفته می شود تا پایان سال جاری کار خود را از دست می دهند مشمول این قانون قرار گیرند. به دیگر سخن، از چند میلیون کارگر بیکار ایرانی، در بهترین حالت تنها ۷۵۰ هزار تن که بعلت تعطیل شدن کارخانه های وابسته و "ارزبر" بیکار شده اند و بیکار می شوند، مختصر کمکی دریافت خواهند کرد و برای بقیه، قانون کنونی بیمه بیکاری، دادن کوچکترین کمکی را پیش بینی نکرده است.

حال ببینیم کارگران در این مدت نسبت به قانون بیمه بیکاری چه واکنشی نشان دادند. علاوه بر اشاره به کمبودهای موجود در متن قانون، کارگران گفتند که از یکسو طرح ها و قوانین تصویب شده از ضمانت اجرائی موثری برخوردار نیستند و از سوی دیگر به گونه ای تدوین شده اند که دست کارفرما را باز می گذارند و انجام بسیاری از تصمیمات را مستقیماً به او واگذار می کنند. کارفرمایان به دلیل اطلاعات وسیعی که از قوانین دارند بسیار راحت می توانند با ترفندهای گوناگون قوانین را بنفع خود تفسیر و اجرا کنند.

کارگری در این زمینه می گوید: "کارفرما مرا از کارگاه بیرون کرد و من باید ظرف ۱۵ روز این مسئله را با مسئولان وزارت کار و امور اجتماعی در میان می گذاشتم ولی در این فاصله کارفرما آنچنان مرا بازی داد که تا بخود آمدم دیدم که ۱۵ روز تمام شد و دیگر کسی به شکایت

اعتصاب کارگران کشتی سازی خلیج فارس

به اعتصاب شوند. مقامات مربوطه پذیرفتند دو ماه حقوق عقب افتاده را بپردازند و دو ماه دیگر را در پایان فروردین ماه پرداخت کنند. کارگران با شرط تضمین وزارتخانه در پرداخت حقوق عقب افتاده به اعتصاب خاتمه دادند و اعلام کردند چنانچه مطالباتشان بموقع پرداخت نشود دیگر باردست به اعتصاب خواهند زد.

از این واحد خبر می رسد که مسئولان ناگزیر از پرآوردن خواست های کارگران شده اند و حقوق معوقه تا پایان فروردین ماه پرداخت شده است.

کارخانه کشتی سازی خلیج فارس حدود ۶۰۰ کارگر دارد که اکثراً فنی هستند و کار آنها ساخت و تعمیر کشتی است. دفتر مرکزی این واحد با ۴۰ نفر پرسنل در تهران است. این کارخانه پیش از انقلاب پایه گذاری و اکثر ماشین آلات آن خریداری شد. در شرایط کنونی قسمت های مختلف کارخانه آماده بهره برداری است، اما با کمتر از یک چهارم ظرفیت اصلی کار می کنند. ماشین آلات آن اکثراً بلا استفاده مانده اند و در حالیکه قاعدتاً باید کشتی تولید کند مانند بسیاری از کارخانه ها "در خدمت" تأمین نیازهای جبهه است. بعلت عدم مدیریت صحیح و نبود برنامه درست برای استفاده از همه امکانات، کارخانه کشتی سازی خلیج فارس مقدار زیادی زیان می دهد و بحران کنونی آن ناشی از همین امر است.

اخیراً کارگران و دیگر کارکنان کارخانه کشتی سازی خلیج فارس در بندر عباس اعتصاب کردند. اعتصاب پیش از دو هفته بطول انجامید و علت آن عدم دریافت ۴ ماه حقوق عقب افتاده بود. در این اعتصاب، کلیه واحدهای کارخانه اعم از ساخت، تعمیرات، اداری و خدماتی شرکت داشتند. اعتصاب کاملاً یکپارچه و منسجم بود.

مدیران شرکت ابتدا تلاش کردند با وعده دادن و انگشت گذاردن بر باورهای مذهبی کارکنان و چلپ توجه آنان به امر "ضرورت ادامه جنگ" و موقعیت ویژه کارخانه در تأمین برخی از نیازهای جبهه به اعتصاب خاتمه دهند، اما به نتیجه ای نرسیدند. تهدید نیز کار پچائی نبرد. برای سرکوب اعتصاب، سپاه پاسداران منطقه و کمیته های محلی می خواستند وارد عمل شوند، اما مسئولان "سازمان گسترش" که از چند ماه پیش شرکت را تحویل گرفته اند این کار را صلاح ندیدند. چون می دانستند که کار به رسوائی خواهد کشید.

در طول دو هفته اعتصاب، هیئت هائی متشکل از مسئولان مختلف "سازمان گسترش وزارت صنایع سنگین" برای مذاکره با اعتصاب کنندگان از تهران به بندر عباس رفتند، اما نتوانستند بدون پاسخ دادن صریح به خواست های کارگران و تضمین پرداخت مطالباتشان موفق به خاتمه دادن

من رسیدگی نمی کند."

یک کارگر ساختمانی که از سه سال پیش بیکار شده می گوید:

"من زن و پنج بچه دارم. تا حال هم کسی نیامده بگوید که در این مدت سه سال که بیکار بوده ای از کجا آوردی و چطور زندگی را می گذرانی. پارها هم رفته ام و تقاضای کار داده ام ولی هر بار که می روم می گویند کار نیست. می گویم پس تکلیف من و بچه هایم چیست؟ می گویند "برود زدی کن".

چنین است راه حلی که جمهوری "ولایت فقیه" در برابر کارگران می گذارد.

یک کارگر سابق ایران خودرو در زمینه بیمه بیکاری گفته است: "۱۲ سال در بخش پرس ایران خودرو کار کرده ام و بعد از ۱۲ سال مرا باز خرید کرده اند. البته مقداری پول هم به ما دادند که متأسفانه همه آن را به دلیل بیکاری خرج کردیم. من زن و هفت سر عائله دارم و نمی دانم به کجا بروم... در این شرایط معلوم نیست تکلیف من چیست. در صورتی که اگر یک بیمه

بیکاری باشد و به صورت موقت و آپرومندانه یک لقمه نان به کارگر بیکار شده بدهد وضع فرق می کند..."

دولت جمهوری اسلامی، لایحه بیمه بیکاری را نه بمنظور برآورده ساختن یک نیاز مبرم و عمومی کارگران و زحمتکشان ایران، بلکه بخاطر باز کردن دست خود و دیگر کارفرمایان در اخراج وسیع کارگران تدوین کرد و به مجلس برد. در شرایط کنونی کشور که بخش اعظم بودجه صرف جنگی ناعادلانه برای صدور "انقلاب" می شود و صنایع و کشاورزی ما با بحران عمیق روبروست بلای بیکاری روز بروز دامنه گسترده تری خواهد یافت و هر چه پیشتر خانواده های زحمتکشان را به کام گرسنگی و بیماری خواهد کشاند.

راه چاره تنها مبارزه بی امان علیه سیاست ادامه جنگ ویرانگر و بی سرانجام و علیه سیاست اقتصادی - اجتماعی ضد کارگری رژیم است.



کارگران مبارز! برای دستیابی به خواسته های صحتی و سیاسی خود، متشکل و متحد شوید!

بیاموزیم، تبلیغ کنیم و سازمان دهیم!

ترکیب کارگری حزب را قوی تر سازیم

را حفظ کند. بدون تردید برخورد با این نقطه ضعف، بویژه در جامعه ایران با ترکیب قوی خرده بورژوازی و در شرایط وجود انواع سن و مناسبات و طبقات روحیات، روشها و منشهای عقب مانده اجتماعی، اهمیت جدی دارد.

رفقا، اعضا و هواداران حزب!

مارکسیسم - لنینیسم، ایدئولوژی طبقه کارگر در آوردگاه مبارزه طبقاتی، برترین جنگ افزایش طبقه کارگر است. بهینه کار و فعالیت طبقه کارگر، بارآورترین بهینه برای افشاندن پدر اندیشه های والای مارکسیستی - لنینیستی و طبقه کارگر، آماده ترین طبقه برای پذیرش این اندیشه ها است. حزب طبقه کارگر ایران باید از اعماق طبقه کارگر توش و توان بگیرد و ستون فقرات آنرا طبقه کارگر تشکیل دهد. حزب مادر این زمینه آزمونهای موفقیت آمیزی را از سر گذرانده است. هیچگاه نباید از یاد برد که در امان حزب توده ایران و در کانونهای مبارزات صنفی تحت رهبری آن، کارگرانی پرورش یافته اند که شاری از آنها در روند مبارزه از سطح یک کارگر ساده عضو یک واحد صنفی تاجای گرفتن درده رهبران جنبش کارگری ایران ارتقا پیدا کرده اند.

هسته های حزبی! افغان توده ای!

تحولات جهانی و آزادی و سوسیالیسم تأییدگر آموزشهای مارکسیسم - لنینیسم و نشانگر آنست که طبقه کارگر و در مرکز آن کارگران واحدهای صنعتی ستون فقرات هر جبهه ترقی خواهانه نیروهای خلق را تشکیل می دهد.

توده ای ها بخاطر دستیابی به ترکیب قوی کارگری در درون حزب و با در نظر داشتن این واقعیت که نقش طبقه کارگر در تحولات ملی و دمکراتیک بیش از پیش افزایش می یابد، باید آموزشهای لنین را رهنمون عمل خود سازند. لنین می گوید:

"هر کارخانه باید سنگر ما باشد."

"کار ما بیش از هر چیز و بطور عمده باید متوجه کارگران کارخانجات و مؤسسات، متوجه کارگران شهری باشد."

سوسیال دمکراسی روس نباید نیروهای خود را متلاشی سازد. او باید تمام این نیرو را برای کار میان کارگران، میان پرولتاریای صنعتی متمرکز سازد. زیرا اینان برای پذیرش افکار سوسیال دمکراسی از همه مستعدترند و از لحاظ فکری و سیاسی بیش از همه تکامل یافته اند و از لحاظ نیروی عظیم و متمرکز در مهمترین مراکز سیاسی کشور از همه با اهمیت ترمی باشند."

حزبی می تواند با تئوری و پراتیک، با اندیشه های روش و منسجم سیاسی - ایدئولوژیک و فعالیت پر شور سازمانی خود بر روندهای گوناگون زندگی جامعه تأثیر بگذارد که از ترکیب قوی کارگری برخوردار باشد. حزب حلقه پیوند میان بخش پیشرو طبقه کارگر و توده های میلیونی خلق است. این پیوند که سرچشمه توانمندی حزب بشمار می رود تنها با جلب هر چه بیشتر کارگران بیش از پیش استحکام می یابد.

پیش بسوی گسترش فعالیت در بین طبقه کارگر ایران!

بین طبقه کارگر و دیگر زحمتکش (در درجه اول دهقانان) و سرانجام سندهی و رهبری اقشار و طبقات خلق به بهینه بیکار بر ضد امپریالیسم و ارتجاع را همواره از وظایف اصلی خود دانسته و در راه تحقق آنها بیگیرانه تلاش ورزیده است.

حزب توده ایران در درازای زندگی پر فراز و نشیب خود، علیرغم دشواریهای کوهوار زائیده دسیسه پردازیها و توطئه چینی های دشمنان رنکارنگ، هیچگاه از یاد نبرده و غافل نمانده است که صحنه اصلی فعالیتش در میان طبقه کارگر ایران است. بر هیچ کس نیز پوشیده نیست که حزب ما در دوره اول فعالیت خود (۱۳۲۲ - ۱۳۲۰) توانست به یک حزب توده ای با ترکیب قوی کارگری (تا ۷۵ درصد کل اعضا) تبدیل شود. حزب در این دوره موفق گردید آگاهترین عناصر طبقه کارگر را جلب کند. همچنین توانست با شکل توده های انبوه زحمتکش در اتحادیه های کارگری و برپایی "شورای متحده" مرکزی کارگران و زحمتکش ایران "مبارزه" صنفی - سیاسی طبقه کارگر ایران را به سطح کیفیتاً نویینی ارتقا دهد. برای درک نقش برجسته سازمانگانه حزب در این دوره از حیث کفایت یادآور شویم که تعداد اعضای "شورای متحده" در سال ۱۳۲۵ به ۲۰۰ هزار تن بالغ شد. در اول ماه مه همین سال در نتیجه تلاشهای حزب و "شورای متحده" نزدیک به ۷۰۰ هزار تن کارگر و زحمتکش در نمایشهای جشن رزمی خود شرکت ورزیدند. در این سالها، طبقه کارگر ایران بیاری "شورای متحده" و تحت رهبری حزب به آنچنان مبارزات پرمایه ای در راه بهبود وضع زندگی و بسط آزادیهای دمکراتیک دست زد که در تاریخ جنبش کارگری در سطح کشورهای منطقه خاورمیانه بی سابقه بود.

نتایج و دستاوردهای فعالیت حزب در این دوره، تراش خوردن الماس خصلت پرولتری و تأثیر ژرف آن بر تمامی فعالیتهای بعدیش بود. اگر حزب در طول زندگی بیش از ۴۵ ساله خود توانست علیرغم بورشها و دسیسه پردازیهای ارتجاع و امپریالیسم از موجودیت انقلابی خود دفاع کند، با حفظ پاکیزگی سیاسی - ایدئولوژیک خویش همواره پاسدار روح پایبندی خدشه ناپذیر به اصول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری باشد، بر هر جلوه ای از فراکیونیسم، اپورتونیسم راست و "چپ"، رویزیونیسم، سکتاریسم دست رد بگذارد و به دور از تزلزل به افشای ماهیت آنها بپردازد، همه و همه از خصلت پرولتری حزب مایه ور می گردد.

اما، با وجود این نقاط قوت در زندگی حزبمان که جادارد هر توده ای از آنها بخود بیاند، حزب در دوره های بعدی فعالیت خود، بعلل عینی و ذهنی، از جمله فراموشی ۲۵ ساله حکومت ترور و خفقان فاشیستی رژیم محمد رضا شاه و سرکوب ابتدایی ترین حقوق و آزادیهای دمکراتیک، نتوانست ترکیب قوی کارگری خود ویژه دوره اول فعالیت خویش

ترکیب اجتماعی حزب طبقه کارگر بخاطر رسالت تاریخی سترگ آن از اهمیت بسیار برخوردار است. واقعیت آنستکه مارکسیسم - لنینیسم، ایدئولوژی طبقه کارگر، بعنوان یک ایدئولوژی علمی مدافع منافع زحمتکش برای همه اقشار و طبقات محروم و تحت ستم، بویژه آگاهترین عناصر آنها از گبرانی و جدابیت برخوردار است. با اینهمه، اگر حزب طبقه کارگر آگاهانه و بطور جدی و دقیق و بیگیر سمت و سوی اصلی فعالیت خود در زمینه کار در میان زحمتکش را در کانون توجه فعال قرار ندهد، از رهگذر کاهش کمی کارگران در ترکیب بدنه و رهبری حزب، در کیفیت فعالیت عمومی آن در همه عرصه های زندگی حزبی، پدیده ها و دگرگونیهای منفی پدید خواهد آمد.

آموزش لنین دربار حزب طراز نوین طبقه کارگر سلاح نیرومندی در دست کمونیستهاست. تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی نشان داده که چه نیروی انقلابی شگرف، زایا و دگرگون سازی در طبقه کارگر نهفته است. لنین، آموزگار بزرگ پرولتاریا می گوید: "شدیدترین پیگردهای دستگاه دولتی نیز از شمار کارگرانی که به سوسیالیسم و دانستنی های سیاسی و مبارزه سیاسی روی می آورند، نکاسته، بلکه آنرا افزونتر خواهد ساخت. حزب لنینی باید رگ و پی و مغز و استخوانش پرولتری باشد. لنین در "نامه به یک رفیق درباره وظایف سازمانی ما" می نویسد: "... بویژه باید کوشید که شمار هر چه بیشتری از کارگران به عناصر کاملاً آگاه و به انقلابیون حرفه ای بدل گردند و جز اعضای کمیته (حزب کارگری سوسیال دمکرات روسیه) شوند..."

تنها با گسترش حزب از طریق عناصر پرولتری است که می توان با استواری از گوهر و خصلت پرولتری حزب طبقه کارگر - یعنی پایبندی به جهان بینی مارکسیسم - لنینیسم و انطباق خلق آن بر شرایط مشخص، وفاداری اصولی به انترناسیونالیسم پرولتری و دفاع بیگیر و پر شور از منافع توده ها - پاسداری کرد و با مرده ریک روحیات و نظریات ناساز با وظایف در دستور روز مبارزه، با کامیابی به رویارویی برخاست.

در این رهگذر، زندگی حزب ما از تلاش صادقانه در جهت بهره گیری از آموزشهای غنی مارکسیسم - لنینیسم، تجربه های جنبش کارگری و کمونیستی جهانی و درسهای تلخ و شیرین جنبش انقلابی میهنان برای راهجویی به آینده "پربارتر" معنا می گیرد. واقعیت انکارناپذیر آنست که حزب توده ایران در روند فعالیت سیاسی و سازمانی، تکیه گاه اصلی خود را در طبقه کارگر، بعنوان مترقی ترین، انقلابی ترین و پیگیرترین طبقه می جوید. حزب گام برداشتن در راستای جلب طبقه کارگر به مبارزه و سازماندهی آن (جلب بهترین و آگاهترین عناصر طبقه به حزب و سازماندهی کل آن در اتحادیه های کارگری)، بوجود آوردن اتحاد

فروپاشی حزب حاکم، ورشکستگی سیاسی رژیم

۲۷ بهمن ماه سال ۱۳۵۸ روزنامه "کیهان" متن گفتگوی خبرنگار خود با بهشتی را منتشر کرد. بهشتی در این گفتگو از جمله به نقش "حزب جمهوری اسلامی" اشاره کرد و گفت: "... ما بدان دلیل به حزب جمهوری اسلامی علاقمندیم که او را یک سازمان مؤثر در دوام انقلاب اسلامی در تداوم این انقلاب و در پیشرفت جمهوری اسلامی می‌دانیم..."

به بیان دیگر، بهشتی "حزب جمهوری اسلامی" را ستون فقرات رژیم، عامل "دوام انقلاب اسلامی" و "پیشرفت جمهوری اسلامی" می‌دانست. در واقع نیز سران این سازمان با قبضه کردن اهرمهای اصلی قدرت در قوای مقننه، قضائی و اجرائی کشور، عملاً سرنوشته حزب حاکم را با حال و آینده "ج.ا.ا." گره زدند. بنابراین فروپاشی مقتضای "حزب حاکم رانمی‌توان و نباید جدا از سرنوشته رژیم حاکم مورد بررسی قرار داد. ورشکستگی حزب حاکم، یعنی ورشکستگی سیاسی رژیم ج.ا.ا. و اوج مبارزه میان جناحهای گوناگون مؤید ورشکستگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نظام "ولایت فقیه" است.

روزنامه "کیهان" در یکی از شماره‌های اخیر خود سخنرانی یکی از دست‌اندرکاران رژیم را انتشار داد. وی از ضعف "تفکرات و اندیشه‌های اسلامی و انقلابی در جامعه" سخن می‌گوید. او، ضعیف‌تر شدن آن گرایشهایی را "که روز اول به مردم می‌گفت هر چه خان و سرمایه‌دار و خائن در هر جا دیدید دستگیر و به محاکم قضائی و انقلابی تحویل دهید" مطرح می‌کند و می‌گوید: "... آن بسیجی که در جبهه است جرئت مرخصی رفتن ندارد. چون اگر به مرخصی برود دادگاه محل به دعوت فتوای و خان او را دستگیر و روانه زندان می‌کند."

سخنران از "بانندی" سخن بمیان می‌آورد که تبلیغات جامعه را بدست گرفته‌اند و "به ناحق متولی و متصدی تبلیغات در جامعه شده‌اند". او می‌گوید: "آنهاست که تکیه بر پول دارند بانکبه بر مهمانی دادن، و آنهاست که زمین دارند با زمین دادن و... نظر عده‌ای صاحب نفوذ را به نفع خود جلب می‌کنند."

انگیزه "سخنران هر چه باشد، اظهارات وی ژرفای فساد حاکم برج.ا.ا. را نشان می‌دهد. ناتوانی و عجز رژیم در برآورده ساختن خواسته‌های برخی زحمتکشان بجائی رسیده که منتظری خطاب به نمایندگان فرمایشی مجلس می‌گوید: "الان هشت سال است که از انقلاب می‌گذرد. دیگر خیلی شعار ندهید... وعده‌هایی که معلوم نیست بتوانیم این وعده‌ها را عمل کنیم یا نه، ندهید."

منتظری که از افشای واقعیت‌های تلخ در برابر مردم در هراس است و در عین حال شاعری است بر جو رعب و وحشت حاکم برج.ا.ا. و می‌داند که حتی گروهی از نمایندگان فرمایشی مجلس قصد کناره‌گیری دارند و خطر رژیم را تهدید می‌کند، به "نمایندگان مجلس" می‌گوید: "... یک وقت

اسلامی چاپ گردیده می‌توان آشکارا دید که اختلافات در داخل حزب جمهوری اسلامی بسیار پراسابقه‌تر و ژرفتر از آن چیزی بوده که تا کنون چسبه و گریخته شنیده‌ایم و حقایق از اعضای حزب و مردم پنهان نگاه داشته شده است.

رفسنجانی در این مصاحبه اعتراف کرد که: "حدود یکسال پیش خدمت حضرت امام رسیده و گفتیم که اجازه بفرمائید ما با آقای خامنه‌ای در حزب نباشیم و یا اینکه حزب را منحل کنیم..."

این اعتراف نشان می‌دهد که رفسنجانی و خامنه‌ای سردهسته "گروه‌های اصلی متخاصم بوده‌اند و کار بجائی رسیده بوده که یکی از آنان می‌بایست صحنه را ترک کند. خمینی هم از قضایا خبر داشته و "ذصایح" پی در پی او در زمانهای اخیر برای "حفظ وحدت" آدرس‌های مشخصی داشته است. اما همانگونه که شیوه "کشورداری" ولی فقیه است حقایق را از مردم پنهان کرده است.

در آن هنگام خمینی با انحلال حزب و کنار رفتن خامنه‌ای با رفسنجانی موافقت نمی‌کند. به دستور او فقط فعالیت‌ها محدود می‌شود. رفسنجانی خود می‌افزاید: "حدود هفت-هشت ماهی فعالیت حزب محدود شد و تقریباً نیمی از دفاتر حزب تعطیل گردید و حالا که انتخابات نزدیک است و ما احساس کردیم که اختلافاتی در درون حزب وجود دارد، مجدداً در شورای مرکزی حزب مطرح شد و تصمیم گرفته شد که فعالیت‌های حزب را متوقف کنیم و جریانها خودشان مستقلاً دنبال مسائل سیاسی بروند."

سرنوشته ننگین حزب جمهوری اسلامی بهر حال عبرت آموز است. گر چه ظاهرأ همه "اعضای حزب جمهوری اسلامی دارای ایدئولوژی واحد "مرگ بر ضد ولایت فقیه" بودند که به ادعای گردانندگان رژیم می‌بایست "اخوت" و همفکری همیشگی را میان آنان تأمین کنند، اما در عمل به دشمنان آشتی‌ناپذیر هم تبدیل گردیدند.

احزاب واقعی در هر کشوری، بی‌انگتر منافع طبقات معین اجتماعی هستند. هر حزبی که به خواست یک رهبر تشکیل شود و مانند حزب رستاخیز شاه و حزب جمهوری اسلامی خمینی خود را حزب فراگیر بشمار آورد و مبارزه "طبقاتی" را نغی کند، لاجرم به جولانگاه باندهای فرصت طلب و مرکز فساد تبدیل می‌شود و محکوم به ناپودی است. حزب جمهوری اسلامی در واقع از مدتها پیش دیگر نقشی نداشت و به همین جهت فرو پاشیدنش کسی را متعجب نکرد.

یک حزب واقعی که زاده "نیاز زمان" باشد و به خواست کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان تشکیل شده باشد، حتی اگر ده‌ها بار توسط شاهان و شیخان مرتجع منحل اعلام گردد و مهلک‌ترین ضربات فاشیستی و "ولایت فقیه" بر آن وارد آید باز به زندگی و فعالیت خود ادامه خواهد داد. چرا که ریشه در توده‌های خلق دارد.

حزب رستاخیز شاه و حزب جمهوری اسلامی خمینی با فروپاشی ننگین خود نشان دادند که راژ ناپایداری خودشان و پایداری حزب توده "ایران در کجاست."

رسانه‌های گروهی و...

به خمینی هم طوری تنظیم شده که گوئی این دو تن به باند هایشان طی سالهای طولانی سرگرم نبرد تن به تن در داخل "حزب" نبوده‌اند بلکه ناگهان پی برده‌اند آن نیاز "تاریخی" که منجر به تشکیل حزب با "مشورت آن رهبر عزیز" گردیده بود اکنون دیگر وجود ندارد و چون "روش بینی و توکل و قوت اراده" آن رهبر عالیقدر و فداکاری و آمادگی مردم حزب الله، توطئه‌های ضد انقلاب داخلی و استکبار جهانی را بی اثر و کم خطر نموده است، لذا احساس می‌شود که وجود حزب دیگر آن منافع و فوائد آغاز کار را نداشته و به عکس، ممکن است تحزب در شرایط کنونی، بهانه‌ای برای ایجاد اختلاف و دودستگی و موجب خدشه در وحدت و انسجام ملت گردد و حتی نیروها را صرف مقابله با یکدیگر و خنثی‌سازی یکدیگر کند."

صحبت تنها بر سر انحلال یک حزب نیست، بلکه آقایان اصل "تحزب" را نیز زیر علامت سؤال برده‌اند و تصور می‌کنند با شعار "حزب فقط حزب الله - رهبر فقط روح الله" می‌توان جلوی تشکیل احزاب واقعی را هم گرفت.

غافل از آنکه مردم ایران آگاه‌تر از آن هستند که واقعیات را نبینند و نشنوند.

همین نکته که نامه به خمینی فقط با امضای دبیر کل و یکی از اعضای شورای مرکزی (و نه همه آنها) است نشان می‌دهد که سردستان دو باند بزرگ داخل حزب، یعنی باند خامنه‌ای و باند رفسنجانی، که بسیاری از اعضای آنها هم شناخته شده هستند، مجبور گردیده‌اند به پوشالی بودن حزب جمهوری اسلامی اعتراف کنند و مبارزه "قدرت میان خود را که بیگمان قطع نخواهد شد، در جاهای دیگر و با وسایل دیگر ادامه دهند، مبارزه‌ای که احتمالاً در دوران پس از خمینی اشکال بسیار حاد و چه بسا خونینی بخود خواهد گرفت.

این نیز شایان یادآوری است که خامنه‌ای و رفسنجانی تصور کرده‌اند که با کاربرد عبارات "توقف فعالیت‌ها" "ممکن است" و "تعطیل" می‌توانند رسوائی عظیم از هم پاشیده شدن حزب جمهوری اسلامی و مرگ قطعی و همیشگی آنرا از نظر پنهان بسازند.

رفسنجانی به منظور سرپوش گذاشتن بر واقعیت، در مصاحبه "مطبوعاتی چند روز بعد خود گفت: "البته فعلاً فعالیت حزب متوقف شده و حزب منحل شده است. فقط خواستیم که تحت نام حزب فعالیت نکنیم. ولی اگر یک روزی شرایط کشور مانند اوائل انقلاب شود، حزب می‌تواند فعالیتش را شروع کند."

اما رفسنجانی باید پی برده باشد که شرایط روزهای اول انقلاب - آنچنان که دلخواه امثال رفسنجانی‌هاست - دیگر هیچگاه در کشور تکرار نخواهد شد زیرا درس تلخ تاریخی خیانت رهبران مرتجع جمهوری اسلامی به آماجهای انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی بهمن دیگر فراموش شدنی نیست.

از مصاحبه "مطبوعاتی رئیس مجلس که متن به‌ظاهر کامل ولی در مقایسه با متن رادیویی سانسور شده" آن در روز ۱۴ خرداد در روزنامه‌های جمهوری



آموزش طبقاتی قانونی می شود

لایحه "تأسیس مدارس غیر انتفاعی" پس از تصویب در هیئت دولت به مجلس فرستاده شد. این لایحه در "اطلاعات" ۲۷ فروردین ۶۶ منتشر شده است.

"مدارس غیر انتفاعی" عنوان بی‌سما و فریبنده‌ای است که به مدارس ملی داده شده است. پیش از تهیه و تصویب لایحه یاد شده چنین مدرسی - با شکل و شمایل اسلامی - در تهران، مراکز استانها و شهرستانهای مختلف در حال فعالیت بودند و با آنکه ژنگ خطر از جوانب مختلف بصدای آمد به کار خود ادامه می‌دادند. اکنون دولت می‌خواهد به‌رغم مخالفتها و اعتراضهای پیرامنه زحمتکشان و از جمله بخش مهمی از آموزگاران و دبیران، این مدارس را "قانونی" کند.

در "مدارس غیر انتفاعی" از دانش‌آموزان شهریه‌های کلان دریافت می‌شود. ماده ۷ لایحه مشخص می‌کند که منابع مالی مدارس یاد شده از محل "شهریه‌های دریافتی از اولیا" دانش‌آموزان و "کمکهای دریافتی از اولیا" دانش‌آموزان و افراد و مؤسسات خیریه" تأسیس می‌شود، در حالی که اصل سی‌ام قانون اساسی ج.ا.د. دولت را موظف به تأمین آموزش رایگان تا پایان دوره متوسطه و تحصیلات عالی تا حد خود کفالتی کشور برای همگان کرده است. اما گوش رژیم به این حرفها بدهکار نیست. باید یادآور شد که چندی پیش اکرمی، وزیر آموزش و پرورش ج.ا.د. گفت: در زمان حاضر، گرفتن شهریه با نظر شورای نگهبان "مغایر با قانون اساسی نیست" (اطلاعات ۱۶ دی ۶۵).

در تبصره "یک لایحه، وزارت آموزش و پرورش خود را مکلف کرده است که به "مدارس غیر انتفاعی" کمک کند، یعنی بخشی از بودجه "ناچیزش را در اختیار چنین مؤسسه‌هایی قرار دهد.

در تبصره "۲ ماده ۷" تأکید شده است که میزان شهریه "قابل دریافت، در مرداد هر سال، از جمله با توجه به "سطح آموزشی و تربیتی" به پیشنهاد مؤسس و تأیید وزارت آموزش و پرورش تعیین خواهد شد.

در اینکه در چنین مدرسی برای بالارفتن "سطح" آموزشی و تربیتی تلاش خواهد شد تردید نمی‌توان کرد. دست اندر کاران می‌کوشند تا با فراهم آوردن انواع امکانات و جذب کادرهای آموزشی ورزیده از سوئی رضایت افراد مرفه و از سوی دیگر رضایت مسئولان آموزش و پرورش را جلب کنند، چون می‌دانند که هر چه "سطح" بالاتر برود، زمینه اخاذی و غارت بیشتر فراهم خواهد شد. بویژه به این وسیله رضایت کسانی که مرفه هستند و سطح پائین مدارس دولتی قانعشان نمی‌کند و مایلند "آینده" بچه‌هایشان تأمین شود، جلب خواهد شد. چنانکه داود مصطفوی، نماینده "مجلس"، نیز گفته است، این مدارس "در خدمت طبقات مرفه و بولداری است و بچه‌های محرومان جامعه را بداند آنها راهی نیست. نماینده" یاد شده نمونه "بالاتر این مدارس را "دانشگاه آزاد اسلامی" مثال می‌زند که

چرا شرکت‌ها چون قارچ سبزمی شوند؟

می‌گیرند. این اعتبارها در بازار آزاد تبدیل به ارز خارجی می‌شود و بحساب مؤسسين شرکتها در بانکهای خارجی انتقال می‌یابد.

روزنامه "کیهان" می‌نویسد اغلب این شرکتها به کلاهبرداری مشغولند. مثلاً، کلاهبرداری فقط یکی از این شرکتها بالغ بر ۶۰ میلیارد ریال بود.

هم اکنون ثروت عظیمی به شکل نقدینگی در اختیار بخش خصوصی است. روش است که حتی اگر بخشی از این ثروت بدست آمده از راه اختکار و دلالبازی و غیره در تولید سرمایه‌گذاری می‌شد، راهگشای حل گر چه نسبی اشتغال در کشور می‌بود.

اما، سرمایه‌گذاری در تولید مستلزم وجود ثبات در جامعه و در وهله نخست ثبات خود رژیم است. نباید از نظر دور داشت سرمایه‌گذاری در تولید حداقل پس از گذشت ۵ تا ۷ سال به سودآوری می‌رسد. آیا در این فاصله زمانی ثبات رژیم تضمین شده است؟ خودداری بخش خصوصی از پیش ریختن سرمایه در صنایع بیاترنگ آن است که سرمایه‌داران اعتمادی به رژیم ندارند. درست بهمین سبب سرمایه‌های خصوصی بطور عمده متوجه بازرگانی و خدمات می‌شود که هم سود آراست و هم نیاز به زمان طولانی ندارد. رواج اختکار و گرفتاری و... نیز از بی‌آمدهای افزایش سریع شرکتها بازرگانی و خدماتی است.

درحالیکه به نوشته "چرا ایند فرار سرمایه از کشور ادامه دارد، بانک مرکزی با کمبود پول در گردش روبروست. طبق آمار رسمی فقط در آغاز سال جاری افزایش پول در گردش به ۱۲/۲ درصد بالغ شد. بگفته "محافل رسمی بانک مرکزی افزایش میزان پول در گردش برای جبران کسر بودجه" دولت و کوشش در جهت تأمین به اصطلاح فعالیتها

اقتصادی از طریق اعطای اعتبارات به بخش خصوصی بوده است. در واقع دولت با این عمل خود به تشدید تورم یاری می‌کند. مطبوعات تورم سالانه را بین ۲۰ تا ۳۰ درصد تخمین می‌زنند که خود بیاترنگ بحران عمیق اقتصادی دامنگیر جامعه است.

آه ندارند تا باناله سودا کنند، چه رسد به آن که شهریه‌های کلان به "مدارس غیر انتفاعی" بپردازند.

در لایحه "تأسیس مدارس غیر انتفاعی" نکته‌های زیادی قابل توجه و بررسی است، از جمله ماده ۳۰ در این ماده آمده است:

"مؤس با مؤسان باید واجد شرایط زیر باشند: الف - مسلمان و عامل به احکام اسلامی و حسن شهرت (یعنی، حداقل اینکه به اقلیتهای غیر مسلمان اجازه تأسیس مدارس غیر انتفاعی داده نخواهد شد). ب - اعتقاد و التزام عملی به ولایت فقیه و قانون اساسی. د - عدم وابستگی به رژیم گذشته و عدم سابقه" وابستگی به گروهکهای منحرف (۱) ".

تفسیر این ماده را به خوانندگان "نامه" مردم" واگذار می‌کنیم.

جمهوری اسلامی دچار بحران عمیق اقتصادی است. اما، سران رژیم این واقعیت را انکار می‌کنند. دلیل آنها چیست؟ یکی از شاخص‌هایی که نهادهای اقتصادی دولتی در زمینه "به اصطلاح رشد اقتصادی ارائه می‌دهند، آمار شرکتها تشکیل شده و اعتبارهایی است که بانکهای دولتی در اختیار آنها گذارده‌اند. صورت ظاهر این "دلیل" فریبنده است. زیرا افزایش تعداد شرکتها قاعده‌تاً باید نمودار افزایش سرمایه‌گذاری و مالاگسترش تولید و تأمین اشتغال باشد. اما، افزایش شرکتها به‌ثبت رسیده در ج.ا.د. هیچ ارتباطی با این روند ندارد.

روزنامه "کیهان" آماری پیرامون شرکتها به‌ثبت رسیده منتشر ساخته که بررسی آن مؤید این نظر است. بموجب این آمار، فقط در روز ۱۵ بهمن ماه سال ۶۵ آگهی تأسیس بیش از ۶۵ شرکت در روزنامه رسمی کشور اعلام شده است. هیچ یک از این شرکتها تولیدی نیست. موضوع تأسیس این شرکتها که در آگهی‌های رسمی ذکر شده عبارتند از:

فعالیت در زمینه "فرشهای دستباف ایران و صادرات آنها بخارج از کشور؛ واردات و صادرات فرش و کالا و مواد صنعتی و ابزارآلات مجاز؛ قبول نمایندگی و اقدام به هر نوع بازرگانی مجاز؛ خدمات مهندسی طراحی؛ انجام معاملات اعم از خرید و فروش، صادرات و واردات که با قوانین ج.ا.د. مغایرت نداشته باشد؛ انجام عملیات خرید و فروش صادرات و واردات تهیه و توزیع مواد غذایی؛ لوازم خانگی و بهداشتی؛ اخذ نمایندگیهای داخلی و خارجی؛ مشاورت در تجارت و مبادلات بازرگانی؛ پیمانکاری پروژه‌های راهسازی و زیربنایی...

به بیان دیگر موضوع فعالیت اکثر شرکتها به‌ثبت رسیده یا واردات و صادرات و یا ارائه خدمات است. همه اینگونه شرکتها به انواع بهانه‌ها و یا توسل به زد و بندهای پشت پرده دهها میلیارد ریال وام و اعتبار از بانکهای دولتی

"متأسفانه با داشتن پیسوند اسلامی در خدمت طبقات مرفه و سرمایه‌دار قرار گرفته است".

پس تکلیف فرزندان زحمتکشان چه خواهد شد؟ هیچ‌اگرچه پول بدهی آش می‌خوری.

به گواهی "اطلاعات" ۱۵ آبان ۶۵، در سال تحصیلی ۶۶ - ۶۵ آموزش و پرورش موفق به تأمین امکان آموزشی بیش از یک میلیون نفر دانش‌آموز نشد. در سال تحصیلی آینده نیز بالغ بر ۱/۵ میلیون نفر به این جمع افزوده خواهد شد، در حالی که فارغ التحصیلان دبیرستانها در مقایسه با این رقم در صد کوچکی را تشکیل می‌دهند.

آیا با تأسیس "مدارس غیر انتفاعی" رژیم قادر خواهد بود که مسئله آموزش بیش از ۲ میلیون نفر را حل کند؟ حتماً نه! اکثریت قریب باتفاق محرومان از تحصیل، فرزندان زحمتکشانی هستند که

درد برزندانان سیاسی و رزمندگان راه آزادی زحمتکشان ایران!

از میهن دربند



به مامی نویسند

طلبه‌ها در لباس "سویل"

روز ۲۹ فروردین - "روز ارتش" - در جریان یک گفتگوی تلویزیونی بین سرهنگ جلالی، وزیر دفاع ج.ا.و "پرهانی" مجری برنامه، معلوم شد که جناب مجری از طلبه‌های حوزه علمیه قم است که به لباس عادی درآمده است. مردم می‌گویند بسیاری از دولتمردان ج.ا.و با پرچسب‌های دکتر و مهندس و غیره ماهیتاً در رده طلبه‌هایی مثل "پرهانی" هستند که چون از نفرت مردم نسبت به روحانیون مرتجع آگاهند لباس "سویل" می‌پوشند.

پناه به دشمن

فرار از چپه روز بروز بیشتر می‌شود. گروه زیادی از سربازان یا به دشمن پناه می‌برند و یا در جریان مرخصی فرار می‌کنند.

رانده شدگان عراق را می‌رانند

کک‌های ناچیزی که برای استفاده‌های تبلیغاتی به گروهی از رانده شدگان عراق می‌شد به حد صفر رسیده است. بسیاری از رانده شدگان که دیگر امیدی به رژیم "حامی مستضعفان" ندارند، راه کشورهای دیگر را در پیش می‌گیرند. هنگام عبور از مرز پجای گذرنامه یک پرگ شناسائی به آنها داده می‌شود. اغلب رانده شدگان علاوه بر رژیم عراق از رژیم ج.ا.و و مترسک دست آموز آنها "آیت‌الله حکیم" - که اعلامیه پشت اعلامیه صادر می‌کند و آنها را به "مبارزه فرا می‌خواند" - به شدت نفرت دارند.

رئیس جدید "اوبین"

شخصی که مدتی معاون لاجوردی و سپس رئیس زندان "قزل حصار" بوده، اخیراً به ریاست شکنجه‌گاه "اوبین" برگزیده شده است. با آمدن این شخص فشار به زندانیان سیاسی تشدید شده است.

اعتصاب خاموش کامیونداران

در پی افزایش مالیات و عوارض سالانه و همچنین عوارض انتقال و فروش کامیون و تریلی که از سوی "دولت خدمتگزار" اعلام شد، گروهی از کامیونداران تهریز و اصفهان دست به اعتصاب خاموش زدند.

خبرهای کوتاه

- در سال جدید بهای برق مصرفی از کیلوواتی ۲٫۵ ریال به ۷ ریال افزایش یافته است.
- بهای خودکار، کاغذ و کلا لوازم التحریر تا چندین برابر افزایش یافته است. قرار است که این لوازم با قیمت "ارزان" : کاغذ ورقی یک تومان و خودکار پیک ۱۵ تومان در مدرسه‌ها توزیع شود. خودکار پیک در "بازار آزاد" تا ۲۰ تومان هم بفروش می‌رود.

جلوگیری از بازگشت افغان‌ها

- پس از اعلام سیاست آشتی ملی از جانب دولت افغانستان دمکراتیک، تعداد زیادی از افغانی‌های ساکن ایران، خواستار بازگشت به وطن خود شده‌اند، اما رژیم با تهدید و تمهید از بازگشت آنان جلوگیری می‌کند. بطور مثال در هشتم بهمن بالغ بر ۲۰۰ نفر مهاجر افغانی در منطقه حصارک کرج به شریفی "امام جمعه کرج" مراجعه کردند و خواستند تا ترتیب رفتن آنها به افغانستان داده شود. شریفی ابتدا آنان را به سکوت و صبر دعوت کرد و وقتی با مقاومتشان روبرو شد، با تحکم از آنها خواست که بلافاصله متفرق شوند و بعلت شرایط خاص کشور از برپائی اینگونه اجتماعات پرهیز کنند. وی تهدید کرد که در غیر اینصورت سروکار آنها با پاسداران و دادستانی خواهد بود. همچنین از محل اسکان مهاجران افغانی سمنان خبر رسید که شمار زیادی از آنان با حمل پلاکارد در مسجد جامع این شهر به تظاهرات آرام پرداختند و از مقام‌های مسئول خواستند که با بازگشتشان به میهن موافقت کنند. نظیر چنین خبرهایی از ورامین، گرمسار، مشهد و چند شهر دیگر بدست ما رسیده است. در برخورد با این حوادث مهاجران افغانی، سید محمود صدر - یکی از عوامل ذینفوذ رژیم در وزارت کشور - اعلام کرد که "عوامل شوروی (!) و حزب توده (ایران) در تحریک افغانی‌ها برای بازگشت به کشورشان فعال هستند و باید با شدت با آنها مقابله کرد". همچنین در جریان عملیات "کر بلای ۵ و ۶"، صدها نفر مهاجر افغانی کشته شدند. تنها در گورستانی در نزدیکی حصارک کرج، ۱۷ نفر دفن شده‌اند.

بیست و یکمین کنگره حزب ...

کمیته مرکزی حزب توده ایران در پیامی به کنگره بیست و یکم "حزب کمونیست فنلاند" آرزو کرد که این کنگره با تصمیم‌های خود بهترین سنت‌های جنبش کمونیستی فنلاند را ادامه دهد و اتحاد عمل همه کمونیست‌های این کشور را در پیشبرد منافع طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان فنلاند، صلح، دمکراسی و پیشرفت اجتماعی توان بیشتر بخشد.

فروپاشی حزب حاکم ...

مصلحت اقتضا نمی‌کند در مجلس علنی بگوئید، جلسه خصوصی بکنید و بگوئید مطالب را... نماینده هیچ وقت نباید از جوسازیها مرعوب شود. این چوپدرمارا در آورده است".

بگفته "منتظری عده‌ای از نمایندگان" می‌گویند "مامی خواهیم از دوره بعد دیگر کاندیدا نشویم". این کناره‌گیریها زائیده اختلافاتی است که در مجلس و دولت و ارگانهای قضائی و نظامی و امنیتی وجود دارد و رژیم رمانند خوره از درون می‌خورد. دولت فاقد ثبات است. اختلاف درونی آن که طبیعاً به وزارتخانه‌ها و نهادها نیز سرایت کرده، حتی امور جاری دولتی را فلج ساخته است.

روزنامه "اطلاعات" می‌نویسد که طرحها و لوايح بنیادی و تعیین کننده‌ای مثل لایحه تجارت خارجی، لایحه مبارزه با ارتشاء، طرح مبارزه با احتکار، لایحه توزیع، لایحه تعاون و... "همچنان مانده‌اند و یا در مسیر خود در دست انداز خط و یا اعمال سلیقه افتاده‌اند". "اطلاعات" با طرح این نظر که "بناگزیب در اداره" یک کشور باید "حرف آخر" و "قول فصل" چاپکامش مشخص باشد، به هرج و مرج حاکم بر تار و پود رژیم ج.ا.و اعتراف می‌کند.

رفسنجانی که بیش از هر کسی به ژرفای این هرج و مرجع آشناست، در سخنرانی به مناسبت به اصطلاح "روز مجلس" و "روز قانون" وعده بهبود وضع در دهسال بعد را می‌دهد. او می‌گوید: "بنظر من، در سالهای آینده، مجتهدینی پیدا می‌شوند که در برخورد با واقعیت‌های زندگی و اجرای احکام اسلامی، در همه ابعاد زندگی، ام از اقتصادی - اجتماعی و اخلاقی، ممکن است تفکر آنها با مجتهدان امروز تفاوت داشته باشد، اما ما باید امیدوار باشیم که فقهای جامع‌تر از امروز داشته باشیم. البته نه از لحاظ تقوا، بلکه از نظر آشنایی به خصوصیات جامعه و مردم زیرا، فکر تکامل پیدا می‌کند و قانونگذاری هم باید تکامل یابد.

مجلس ۱۰ سال بعد و شورای نگهبان ۱۰ سال دیگر می‌توانند ضمن حفظ اصول، با مبنای صحیح حرکت کنند".

دو مسئله بس مهم در لابه‌لای این گفته‌های رفسنجانی نهفته است. نخست اینکه وی با طرح فقدان مجتهدین وارد به مسائل اقتصادی - اجتماعی و اخلاقی در حال حاضر، آگاهانه مشروعیت فقهی و اجتهادی دورکن نظام "ولایت فقیه"، یعنی خمینی و قائم مقام وی منتظری را زیر علامت سؤال می‌برد. از سوی دیگر، "مرد نیرومند رژیم" نادانسته نومی‌د خود را از وضع موجود آشکار می‌سازد.

رفسنجانی می‌تواند ساده لوحانه به آینده امیدوار باشد. اما، آیا تاریخ و مردم رنج دیده ایران چنین فرصتی را به رژیم نکبت‌بار ج.ا.و خواهند داد؟ آنچه مسلم است، توده‌های میلیونی مردم توان تحمل رژیم ضد خلقی را ندارند و مبارزه آنها به اشکال گوناگون ادامه دارد. گر چه رژیم می‌کوشد به کمک ارگانهای سرکوبگر از اعتلا نهضت انقلابی جلوگیری کند، اما هم تجربه کشور ما و هم تجربه دیگر کشورهای دیکتاتوری نشانگر آن است که با تکیه بر سر نیزه نمی‌توان برای مدت طولانی بر مردم حکومت کرد.

"سرنگون باد حکومت دیکتاتوری!"

کره جنوبی و الرزاند

بار دیگر موجی گسترده از تظاهرات ضد دیکتاتوری کره جنوبی را فرا گرفته است. هزاران تن از مردم این کشور، از جمله دانشجویان، کارگران و روشنفکران، در شهرهای بزرگ خواهان برکناری دیکتاتور "چون تو وان"، اصلاح قانون اساسی و استقرار دموکراسی شده اند.

پلیس و دیگر نیروهای سرکوبگر رژیم مستبد و وابسته کره جنوبی با خشونت همیشگی به مقابله با تظاهرکنندگان پرداخته و بسیاری را زخمی یا به زندان افکنده اند. در میان دستگیر شدگان نام سه نماینده پارلمان نیز بچشم می خورد. دولت پیمناک از خشم دانشجویان درهای ۲۸ دانشگاه را بر روی آنان بسته است.

در پوسان، تظاهرات ضد آمریکائی سبب شد که علیرغم حفاظت شدید ماموران انتظامی، کنسولگری ایالات متحده در این شهر تعطیل گردد. به گزارش خبرگزاری ها تظاهرات کنونی از نظر وسعت خود از سال ۱۹۸۰ تا بحال بی سابقه است، بگونه ای که به ۱۲۰ هزار پلیس رژیم آماده باش داده شده است. گزارشی دیگر از دستگیری هفت هزار نفر در روزهای اخیر سخن می گوید. گفته می شود که رژیم کره جنوبی اعلام حکومت نظامی و سرکوب خونین جنبش ضد دیکتاتوری را تدارک می بیند.

فریاد "سرنگون باد حکومت دیکتاتوری!" سراسر کره جنوبی را پلرزه درآورده است.

مرحله ای نو در پیکار کمونیستهای

تونس

کنگره نهم حزب کمونیست تونس در روزهای ۱۲ - ۱۴ ژوئن برگزار شد. این نخستین کنگره کمونیست های تونس بود که پس از تجدید فعالیت علنی حزب در سال ۱۹۸۱ تشکیل یافت. نمایندگان ۲۶ حزب و جنبش آزادی بخش ملی از جمله میهمانان این کنگره بودند.

محمد حرمل، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست تونس، در گزارش کمیته مرکزی خاطر نشان ساخت که "کنگره نهم مرحله جدیدی در پیکار کمونیست های تونس در راه تحول، دمکراتیک بشمار می رود".

بگفته او، حزب کمونیست تونس، "چون گذشته و در چارچوب دستاوردهای دمکراتیک کنونی، به مبارزه خود برای غلبه بر پدیده های بحرانی در زمینه اقتصادی ادامه خواهد داد و از این راه در تحکیم استقلال ملی تونس، که سی سال پیش بدست آمد، کوشش خواهد ورزید". نمایندگان کنگره پس از بحث گسترده درباره

وحشیگری رژیم سعودی

"کمیته دفاع از حقوق بشر عربستان سعودی" با انتشار "گزارشی به سازمانهای بین المللی قضایی، سیاسی و کارگری و مردم میهن دوست، شرافتمند، صلح دوست و آزادیخواه" موارد نقض خشونت آمیز حقوق بشر در این کشور را بر شمرده و به افشای سیاست ضد مردمی رژیم ارتجاعی حاکم پرداخته است. در این نامه از جمله چنین می خوانیم:

"سرکوب و اختناق ویژگی جدائی ناپذیر رژیم عربستان سعودی است که با امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا، پیوندهای نزدیکی دارد. برخورد بین طبقات زحمتکش جامعه و خانواده سلطنتی حاکم و اطرافیان آنها افزایش می یابد. رژیم حاکم برای مقابله با ناراضی مردم به ترس برآکنی، اعمال ترور و اختناق و استفاده از روشهای وحشیانه و خونین متوسل می شود و این خود تنها به افزایش نفرت و انزجار مردم می انجامد. دستگیریهما افزایش می یابد، بیکرد و شکنجه مخالفان تشدید می شود و علاوه بر آن، اقدامات شاهزادگان و اطرافیان خانواده سلطنتی، با استفاده از ابزار سرکوب آنان یعنی "هیأت امر به معروف و نهی از منکر"، بر آزادیهای فردی و اجتماعی لطمات جدی می زند. فزون بر این، زدن سر با شمشیر، قطع دست و پا، سنگسار و سایر شیوه های تنبیهی تکان دهنده دیگر نیز مرسوم است، که در زمان ما از سوی هر رژیم بکار گرفته شود، مردود است".

گزارش یاد شده پس از برشماری ۲۰ مورد مشخص نقض حقوق بشر اینگونه پایان می یابد:

"ما افکار عمومی، حقوقدانان و آزادیخواهان سراسر جهان را فرامی خوانیم، تا بر همبستگی خود با ما در مبارزه با این کابوس تیره فرمائو را بر کشورمان بیافزایند و از ابتراه چنین شیوههایی را، که با شرافت مردم و متعلق زمان و تمدن ما مغایرت کامل دارد، ریشه کن سازند".

گزارش کمیته مرکزی به "بیانیه سیاسی" و تغییر اساسنامه رای دادند و قطعنامه هایی چند رادرساره صلح و خلع سلاح و همبستگی با مبارزه انقلابی با خلق ها و کشورهای گوناگون - بویژه نیکاراگوئه، آفریقای جنوبی، فلسطین و لبنان به تصویب رساندند. در اسناد دیگر کنگره به ضرورت تقویت سازمانی حزب و تشکیل یک جبهه دمکراتیک گسترده در تونس اشاره می شود.

محمد حرمل در سخنرانی پایانی خود برگزاری کنگره نهم را "رویدادی تاریخی" خواند. کنگره با انتخاب کمیته مرکزی جدید، مرکب از ۲۲ عضو به کار خود پایان داد و کمیته مرکزی در نخستین نشست خویش هیئت سیاسی نه نفره را برگزید. حزب توده ایران موفقیت رفقای حزب کمونیست تونس را در پیشبرد تصمیمات کنگره نهم و پسود زحمتکشان تونس آرزومند است.

بیست و یکمین کنگره

حزب کمونیست فنلاند

در روزهای ۱۵ - ۱۲ ژوئن بیست و یکمین کنگره "حزب کمونیست فنلاند" در هلسینکی با شرکت ۲۲۲ نماینده و ۲۸ هیئت نمایندگی احزاب کمونیستی و کارگری و جنبش های آزادی بخش ملی تشکیل شد.

آروو آلتو، صدر "حزب کمونیست فنلاند"، در گزارش کمیته مرکزی خاطر نشان ساخت:

"اینکه اروپا اکنون ۴۰ سال است در صلح پسر می برد را باید مدیون مبارزات کشورهای سوسیالیستی، جنبش کارگری و نیروهای صلح دوست در سراسر جهان بود" وی افزود:

"هیچ یک از مسائل بشریت را نمی توان با جنگ حل کرد. از اینرو باید در راه ایجاد جهانی پری از جنگ افزارهای هسته ای، خلع سلاح و انحلال بلوک های نظامی رژیمید".

بگفته آروو آلتو "گرایش های اخیر در عرصه بین المللی پدید آوردن منطقه ای عاری از سلاح های هسته ای در شمال اروپا را آسان تر ساخته است".

صدر "حزب کمونیست فنلاند" گفت که علیرغم رشد نسبتا مثبت اقتصادی، فنلاند با مسائل اجتماعی هرچه دشوارتری روبروست. وی در این زمینه بویژه از پیکاری گسترده نام برد. بگفته او "حزب کمونیست فنلاند" برای نظارت هرچه بیشتر زحمتکشان بر روند تولید و گسترش حقوق دمکراتیک آنان خواهد کوشید.

آروو آلتو تاکید ورزید که اندیشه های مارکس، انگلس و لنین همواره راهنمای "حزب کمونیست فنلاند" خواهد بود و یادآور شد، که این حزب به ادامه مناسبات با احزاب برادر علاقمند است.

نکات بالا همچنین در "سند سیاسی" کنگره بیست و یکم و برنامه جدید حزب انعکاس یافته است، که نمایندگان کنگره همراه با دیگر قطعنامه ها، تصویب کردند.

کمیته مرکزی جدید "حزب کمونیست فنلاند" در نخستین نشست خود رفقا آروو آلتو و تسکو وینیون به رابار دیگر به ترتیب به سمت صدر و دبیرکل حزب برگزید.

بقیه در ص ۷

کمکهای مالی رسیده:

"بهارک" به حزب پدر و عموهایش یک النگو
"سحر" به حزب پدر و عموهایش یک النگو
کمک به خانواده های زندانیان سیاسی

فرهاد ارکلن ۶۰ مارک

NAMEH MARDOM NO. 160	P.B. 49034 10028 Stockholm 49 Sweden
23 juni 1987	

جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است